

بناست بافتن و عوارض ندرین مجلس و تنظیم کی شود فوراً کمیونی دائمی خنوده شور که بر موع این گونه اشخاص آمدند فوراً رسیدگی شود و اگر هم باید باین مطالب رسیدگی نشود آنهم فوراً عدلیه رجوع شود.

آقا سید حسن تقی زاده - تکلیف دولت اینست آنهاییکه اینطور غارت وی را شدند بآنها جایدند و همراهی و اعانت کند که بتوانند زندگانی نمایند یک مسئله دیگری هست که اگر کسی مقول شد ورره او از عدم استطاعت یا بجهات دیگر به به حکم عدلیه حاضر نشود بر دولت است که فوراً دنبال کند و آنطرف را مجازات سیاسی نماید اما امور اموال منو به ازین اشخاص چون بشخص حکومت اطمینان و اعتمادی هست و آدم بی فرضی است از اوتعین و استفساری کرده و چیزی هم درین باب نوشته نباید فوراً این رای ولاد کرد باید دوباره از او استفسار شود که توضیح بدینست اما آنهاییکه اینها با سیف الدوله مدعی هستند مفادات نهار باید از روی قانون شرع بر روند معاکه کنند.

مخبر الملک - مجلس بایاید کمیسیون دائمی برای رسیدگی عراض حارصین و منتظمین داخه باشد که بعضی ورود آنها عوارضت چهارمیان در مقام تحقیق و رسیدگی برآید و زود تر عمل آن ها را ختم نماید و یا این که از اول باید آن ها را به عدلیه فرستاد و مرتب باشد که حاکمان به حقیقت بنگردند.

آقا شیخ حسین - عنوان مخبر الملک بی نقیبه نماند ما اگر بفرماییم تمام عراض ختمی رسیدگی کنیم نشود ولی مثل عمل کرمانشاهان باید در کمیسیون مجلس باشد.

رئیس - این مطلب غلط است کمیسیون برای رسیدگی عراض نباید در اینجا باشد فرض او هم اینست که نباید بشود ولی اینکه عراض به مجلس نرسانند آنهم نشود جلوی مردم را گرفت باید آن عراض را رجوع کرد بدلیه و خواست جلال درین باب معاکه چه رای می دهید.

مخبر الملک - اگر من بودم تا حاجی سیف الدوله معاکه نمی شد نمی گذاردم که او بیاید این گونه معاکات باید در مجلس بشود حالاً هم عقیده من اینست که حاجی سیف الدوله برود در کرمانشاه آنجا هم معاکه شرعیه است و هم معاکه عرفیه صحیح و امارات و شواهد در آنجاست بجای معاکه و رسیدگی مراجعت نماید.

رئیس - بی نتیجه این شده که رجوع شود معاکه و مجلس هم مراقبت نامه نماید تا معاقان جحف شود.

وزیر مالیه - مقصود من در خصوص بانک بود و قرار شد امروز شروع شود ممکن شد حالاً هم شروع کنیم می گویم سکه چون کله با هم است همه فکر نمایند ولی یک مسئله از آنرا می گویم چنانچه مرتبه هم در کمیسیون مذاکره شده است و بولگلا هم مذاکره بیان آمده است که از برای استتظام بکنفره میر از خارجه لازمست و تأخیر هم ملاحظ نیست حال اگر صلاح می بیند که تا مذاکره بانک تمام شود ادرا می خواهیم و باید در کار ملی مملی گرفت شود ولی نه این که اختیار کل با داده شود و باید رئیس کل او نباشد بلکه معلم باید باشد عقیده منست.

آقا سید محمد حعفر - اگر ظاهر باشد که کس قدر بما کرده باشند سینه را بیاید اگر از فارس بیاید سپان خوب است.

وزیر مالیه - سبب طلب سبب است که مقصود ما اینست که معاکه بماند بانک ضامن است این مطلب باید با هم منگنی باشد که بتوان جنب پول با آن تمویس خلا باید تأخیر نماند ولی برای معارضش باید نگاری بانک ایران نامه که معاکه بانک تأسیس نشده هر چه قبول بودیم در این مورد عقیده بنده اینست سکه این صلاح رفد دولت بهجه ضرورت بود که معاکه این مطلب معاکه شود.

مستشار الدوله - عمل مالیه خیلی سخت است و تمام ملای این رشه را خیلی اهمیت میبندند میدانند که خیلی صلاح باینگونه اشخاص در ضیلت مالیه مستقیم و قبل از آنکه بانک تأسیس شود ما میتوانیم از این اشخاص استفاده کنیم مثلاً مثل ضوابطه که نفع خیلی بی نظم است و غیر مسکوکات ملاحظ نیست پس در این صورت تا مادامیکه بانک تأسیس شود حقوق این شخص را که از خارجه خواسته اند دولت بدهد ضرر ندارد.

مجلسی ختم شد

مذاکره در روز پنجشنبه ۲۸ جمادی الثانی در انجمن ملی

غلام ۱۹ کلمات در روز سه ۲۶ رأی تصدیق معتمد تقی فرات کردند.

لایحه از عزالولایت و منته و سعید بود فرات شد فریب باین مضمون عرضی که در خصوص خالصه و تقاضات ضمیمه ضمیمه السالک صریح الدوله مقبل شده اند واصل موجب استحضار گردید بطوریکه مجلس متذکر هستند جناب فرما که لازمست در خیر و نفع دولت و ملت ملحوظ گردد لایحه در این خصوص بجناب نجات الدوله در معاکه از روی تطبیق جواب صریح بدینکه اگر تلامب جواب نرسید تا فرجه جواب تحقیقی داده خواهد شد و مجلس مقدس ایفاد میگردد.

رئیس التجار - شخص بهتری که استحضار در کمیسیون گفته ام حاضر است که اسلحه هزار خرور جنس علاوه بدهد و خواهش کرده است که اسلحه قبل از اختتام عمل محفوظ باشد و در حقیقت این مسئله مثل این است که خود بدینده بخوام.

وثوق الدوله - بلی امروز رئیس التجار این مسئله را اظهار داشتند چون مطلب اهمیت داشت گفتیم امروز فردا صبر مینماییم آن شخص هم باید قبل از وقت معرفی شود البته کمیسیون هم بضرر دولت راضی نخواهد شد.

رئیس - گویا این مطلب تمام شد.

وثوق الدوله - با آقا با نادر کلاصویه مینمایند که در صورتیکه این تفاوت را این شخص قبول نمود بدین دو صدیق الدوله و نصره الممالک هزار خرور علاوه میدادند هر کدام انفع باشد قبول کنیم.

لایحه از طرف شاهران سلیمان همرزاد بوسی میرزا رسیده بود فرات شد فریب باین مضمون خدمت آقای رئیس دارالشوری ملی زحمت میدهند از فراریکه مسموع شد روز سه تته گذشته بعضی از وکلای دارالشوری ملی اظهار داشتند که این بندگان در طلب و وضعی ما باین مطالب که در بعضی خواهی بعموم هم عرض کردیم نیست با آقایان وکلای مجلس شده است و ما باین عرضها بعضی مطالب عقیده دارند که بعضی آنها هم در بعضی معاکه میبندند میشود در مطالبی که در این مجلس است که اگر فریب کنیم که این بندگان شهادت بکنند و ما هم در این باب

اطلاع لسان نسبیور کلام او را شوروی نکرده ایم و کمال شرف و افتخار را داریم از اینکه وکلای مجلس این بندگان را شرافت داده و در تحت استنطاق میبهراند و وارد کنند.

چقدر برای ملت شرف و افتخار است که (بازگشتش) با امور عدلیه ملکیتی دخل و تصرف مینماید و در ملکیتی که هنوز قانون بعمل اجری گذاشته نشده است بیجارات آن میبهرد.

و باز کمال افتخار را داریم از اینکه ساهتی در حضور وکلا میتوانیم بطور دفعه خواه عراض خودمان را عرض کنیم و شاید بعضی از وظایف آنها را مروض داریم زیرا بدینستجه بعضی از آقایان وکلا اضطراراً بهیچوجه بواسطه خودشان عمل نمیکند و گذرانیدن وقت را یکی از معضلات دارالشوری میدانند.

کمال شرف را داریم از اینکه ملت رسوا نماند که مجازات خائنانه را در دست تصویب نمایان از سر این رعایای ملک زده گرفته کرد و در این لایحه برای

اجرای قوانین الهی نوشت اصول امور و ادارات را مرتب نمود وزارت خانه ها را ترتیب داد و مردمان را که خواهای خلق و پیشرفت بیجارات اشفاقونی رسانید فقر و مسکنت این ملت را رفع نمود و لشکهای خونین مظلومان را باب شفقت و عدالت شست و شو داد و این دل گرفت فریادان و با واسطه نظر او فریاد خنود

نموده دیگر مجلس کاری ندارد و نباید بامری رسیدگی نماید مگر بجزئیات امور عدلیه ملکیتی و ما بین کلماتیکه این بندگان یک ساعت برای خیر خواهی ملت عرض کرده ایم دو سه کلمه خودشان اختراع نمایند و مجازات آن کلمات اختراعی را بخوانند چرا بیجهت وقت صحیح اسلام گراشه امثالهم را تلف مینمایند آخر ای وکلای دارالشوری ملی چرا از وجود این اشخاص بزرگ تاریخی دنیا منتفع نمیشوید چرا تاوقت است قوانین لازمه را نمی نویسید شارها بخدا و وجدان و شرافتتان قسم میدهم بیشتر از این مسامحه در امور نکنید و این ملت و از کون بخترا بیشتر از این سرگردان نگذارید.

شیرازه امورات از هم بایند . دهستان خارجی از اطراف وطن مقدس را احاطه نمودند داخله ملکیت بواسطه ظلم منشوش تر از سابق است باسم اینکه مجلس مقدس حکم سکرت است حکام در اطراف ظلم را چندین مقابله از سابق زیادتر کرده اند اگر این بندگان باید مجازات شویم و یا اینکه برای حرفهای نزدنی در تحت معاکه در آئین معاکه شده بیجارات خواهیم رسید ولیکن عاجزانه تنها مینماییم که قانون اساسی را در تحت مذاکره بیاورید و پیش از این ملت را سرگردان نگذارید چون بیشتر از این نمیتوان وقت عزیز و کلای محترم را تلف کرد لهذا در پایان این عریضه وقت را غنیمت دانسته و تنها مینمایم که زودتر این مجلس استنطاق را فراموش نمایند.

(تأسیه روی شود هر که در اوغش باشد)

و بهین وسیله تجدید احترامات غناقمه مینماییم (بسی و سلیمان)

آقا سید محمد تقی - این لایحه زبان خیلی بیوقع و بی ادبانه که کرده اند صحیح است و اغلب مطالبی که اظهار شده مطالبی است که خود ما عنوان میکنیم لهذا این که گفته شده ما نسبت رشوه گرفتن

آقا سید محمد تقی - این لایحه زبان خیلی بیوقع و بی ادبانه که کرده اند صحیح است و اغلب مطالبی که اظهار شده مطالبی است که خود ما عنوان میکنیم لهذا این که گفته شده ما نسبت رشوه گرفتن

در مقام نماینده امین و حق شخصی است و همین قدر
طرد گشتی است اما این که گفته اند هر چه زودتر
سازمان بیان آید
(تأسیس و روی شود هر که در او غش باشد)
مطلبی است صحیح البته باید معا که شود تا مطالب
روشن شود.

آقای میرزا سیدعلی نقی - کو باغرض حضرات
اعتذار بوده است؛

آقای سید محمد تقی - مقصود اعتذار نبوده
بلکه معا که خواسته اند.

آقای شیخ حسین - مال مردم و خون خلائق
را بخداوند حرام کرده حضرات چون خودشان
را از اهل تدین فسخ میدهند عرض میکنم که
دول متعده نمیکویند هر اجامی شوب است مگر
اجاماتی که از آن ضرری مترتب گردد اما قانونی
وضع کردیم که وزیر را که معین میکنند مادامیکه
سلب اطمینان مجلس از او نشده باشد بعال خود
باقیعتنه اینکه هر کسی اجماع نماید که ما فلان
وزیر را شیخواییم فردا خواهند گفت فلان شخص
را نمیخواهیم خوب است قانونی وضع شود که این
طور اشخاص در این اجامات چنین نظر ندارند.

آقای میرزا حسین شهبازی - مابهر صورت در
معا که حاضریم اگر در کمیسیون سیکویند حاضریم
چنانچه در عدلیه هم باشد حاضریم.

حاج سید ناصر الله - جمعی از آنکه مردم جمعی
را طرف اعتماد خود دانستند که در امور آنها
ناظر باشند و اصلاح نمایند مادامیکه از آن هیئت
سلب اطمینان نشان نشده باشد چند نفری نمیتوانند
پاره عنوانات اظهار نمایند و در کارهای آنها دخالت
کنند حال این مطالبی که اظهار شده باید تحقیق
شود اما اینکه بعضی تکالیف مجلس را معین
کرده اند آنها حق اجبار ندارند چنانچه مطلبی
داشته باشند باید اظهار نمایند مطالبی که در این
لابه نوشته شده هر گاه از راه اظهار است میبایست
ندارد ولی حق اجبار ندارند در خصوص نسبتهای
که داده شده و آنها میگویند ما نکتته ایم من
نمیاد اما اگر کسی نشنیده است که هیچ بالا باید
تعقیب شود.

حسام الاسلام - آنها میگفتند تسامح میکنند
چون در اینجا حاضرند می بینند ولی سایرین که
در جاهای دیگر هستند اطلاع ندارند.

حاج سید ناصر الله - نسبت تسامح ردیف
خیانت است هر کس در این مجلس تسامح نماید
بوظیفه خود عمل نکرده.

آقای سید جعفر - همه میدانند که ما در اینجا
نشسته ایم و حال آنکه باید جد و جهد کنیم و
مجتهد طور وقت میگذرد.

حاج سید ناصر الله - یاره تسامح در مقدمات
است یاره در اصل عمل است این مطلب باید
معلوم شود.

و ثوق الدوله - مطلبی که در روزنامه نوشته
شده بود همین قدر است که ما و کلای امین کافی
نداریم و همین لایحه هم که نوشته شده مشر بر
حسین مطلب است که وسلا تصور در کار دارند
تعییده بنده این است که این مطلب تعقیب شود
آقای میرزا حسین شهبازی - اگر این مطلب
تعقیب نشود اسباب خواهد شد که خار در روز

دچار انگلی نیاید.

دکتروالی الله خان - بر پرورد بد از ختم
مجلس بنده بوم نشنیدم که چنین نصیبتی بلقائیان
پندند ولی در روزنامه دیدم که نوشته است ما
و کلای امین نماینده دارالشوای ما جدید استودر
سایر جاها از این اتفاقات واقف میشود و روزنامه
نگارن در سایر جاه ما هم وقتیان طوط مطالب را در
حق و کلا مینویسند مثل اینکه احتیالی در یکی از
روزنامه ها نوشته بودند که مسالو کلای بارلاندان
کاری نکردند جز اینکه حقوق خود را زیاد کردند
و حال آنکه کادمان زیادرد آن دوره سال کردند

حاج سید ناصر الله - عقدا بنده این است
که این مردم مد و با طرف اعتماد خود قرار داده اند
خالا این چند نفر را نیرسد که بعضی نسبت ها
را بکنند اگر دادند باید در فرد آنها را دفع نمایند.

دکتروالی الله خان - و کلی در فرانسه با
یاب راه داشت کافی از او بست آوردند و کادرا
پیش بردند پس نیا جمعی نصیبتی دادند تعقیب کرد
آقای میرزا فضلعلی آقا - این اشخاص چیزی
گفته اند و روزنامه نگار هم چیزی شنیده و نوشته
اگر از و کلا کسی هست که طرف بشود خیلی خوب
و معین در سایر مردم هستند اشخاصی که مدعی این
ما واقف شوند اینهم معلوم شود و لایحه این مذاکرات
و در نیکه خواسته اند کفایت مینمایند.

آقای شیخ حسین - این دو شاهراده گفتند
که ما این حرف را نخواستیم و این آقا زاده خودم
گفتند دارالشوای ما جدید است ولی من میگویم
قانون اسلام ما قدیم است و باید بوقع اجری گذاشته
شود و عقیده شخصی بنده هم در این باب این است
که گذشته است ولی به از این باید قانونی وضع
شود که کسی حق نداشته باشد این طور قطعاً
کرده و مجلس را مشغول دارد.

وکیل الزها - این شخص از روی نکر
نوشته است و ما وقت نداشتیم که فکر کنیم این
مرد نوشته است که من نکتته ام آنها یک نسبت را
بمن داده اند ثابت نمایند و انگهی در سایر
مطالب هم به بنید آنها حق اظهار دارند یا
خیر بقیه بنده حق اظهار دارند (جمعی
گفتند حق اظهار دارند)

وزیر صالحه - در خصوص بانک مقدمات آن
و زهرش را مکرر گفته ام اگر بازم لازم است عرض
نمایم یا شروع باصل مطلبی بود پریش در خصوص
مدیریکه لازم است گفتگو شد که قبل از تأسیس
خواست خود (گفته به بین نمایم)

حسین علیخان - لا کند ملک خواسته اید
حاج میرزا آقا - اگر اوظایفه زردشتی ها
باشد بهتر است.

وزیر صالحه - این مسئله بانک خیلی مهم
است که باید با نهایت جمعیت حواس دقت کدم تا نتیجه
بگیریم آن روز صحبت شد گفتم که جهت افکار
یک نفر صالح لازم است و خود این عمل هم خیلی
مربوط با پایه جمع آن روز بود از مذاکرات لزوم
آنرا همه تصویب کردند معلوم است هر کسی را که
بسمه مطبی خواستیم نهاده است در باره او بعمل
می آید که مفهده بر آن مترتب نشود

حاج امام جمعه - اول در فکر ملک
باید پیشیند منگشتی بجای می ماند آن وقت ترتیب
بانک را بچینه

حاج امام جمعه - ۱۸ این ماه تلگرافی
از اردوب رسید که ما را پورسی بانک داده ایم
بگیرید به بنید ترتیب اردوب چیست تا اکنون هیچ
اظهاری در آسایش وزارت آنها نکرده اند بازممان

وکیل الدوله - این دو معنی که اسم برده
شده یکی طرف مغرب است یکی طرف شرق
از اینکه فهمیده میشود نصف دایره شمالی را تصرف
کرده اند و قتل و غارت زیاد نموده اند تلگرافی
از امامقلی میرزا رسیده بود و بتوسط تلگراف
حضرت اشرف را خواستیم که شهر بیابند و اقدامات
فوری بشود بعد معلوم شد در این موقع اقدامات
لازمه بعمل آمده و خیلی تلگرافها شده سواها و
سر کرده ها و سرتیپها و غیره را هم اطلاع داده
اند گویا باعث تجری هم همان مشار داخلی بوده اند
ولی اطمینان آنها هم بشایر آنها است اگر این
اقدامات امروزه چند روز قبل می شد این
طورها نمیشد دولت همین قدر گفت بوسائل یلتیکی
که دوستی دولتین بر قرار بماند رفع گردد ولی
علت باید بتواریخ سابق رجوع کند و فتوحات و
جلالت های پیشینان از اجداد خود را به بینند و
بدانند که مایه پیشرفت امور در دنیا است بیکه مت
راستی است که از پیش آمد مملکه خانف باخند
و با چنین اهمیتی نمونه از اسلاف خود را در مواقع
آب به بالمیان نشان بدهند.

احسن الدوله - ما بضم قلبم تلاهستیم هر
صیبتی که میشود گریه میکنیم مرد نباید گریه کند
از گریه کاریشرفت حاصل نخواهد کرد با همردانه
اقدام کرده الان بیست روز است این اخبار از اردوب
رسیده است و هیچ اقدامی نشده هر چه در اینجا
و کلا از وزارت داخله توضیح بخواهند جواب
داده میشود که اقدامات پولتیکی شده است ما نمی
دانیم که این اقدامات پولتیکی سیاسی که در پیرد است
چست بهرا نباید معاون وزارت داخله همه روز در
اینجا حاضر باشد تا ببینیم چه اقدام کرده اند.

حسام الاسلام - این مملکت که مشوقه ما
است دارای جسم است و یک جان جسمش خاک
است جانش اسلامی دو هیئت باید باشد که این
مشوقه را حفظ کنند یکی هیئت و کلا که باید
این مملکت را آرایش کنند و یکی هیئت و ذرا
کضامن حفظ آن هستند هر وقتی که از اطراف
خبر میرسد که پای این مشوقه را میخواهند قطع
کنند ما باید از وزرا جدا حفظ آنها بخواهیم
که نگذارند ما بایه معلوم کنیم که از این تلگرافات
چه فایده حاصل شده تا تکلیف معلوم شود اگر
نمی توانند استعفا بدهند.

حاج امام جمعه - ۱۸ این ماه تلگرافی
از اردوب رسید که ما را پورسی بانک داده ایم
بگیرید به بنید ترتیب اردوب چیست تا اکنون هیچ
اظهاری در آسایش وزارت آنها نکرده اند بازممان

حاج امام جمعه - اول در فکر ملک
باید پیشیند منگشتی بجای می ماند آن وقت ترتیب
بانک را بچینه

حاج امام جمعه - ۱۸ این ماه تلگرافی
از اردوب رسید که ما را پورسی بانک داده ایم
بگیرید به بنید ترتیب اردوب چیست تا اکنون هیچ
اظهاری در آسایش وزارت آنها نکرده اند بازممان

حاج امام جمعه - اول در فکر ملک
باید پیشیند منگشتی بجای می ماند آن وقت ترتیب
بانک را بچینه

حاج امام جمعه - اول در فکر ملک
باید پیشیند منگشتی بجای می ماند آن وقت ترتیب
بانک را بچینه

حاج امام جمعه - اول در فکر ملک
باید پیشیند منگشتی بجای می ماند آن وقت ترتیب
بانک را بچینه

حاج امام جمعه - اول در فکر ملک
باید پیشیند منگشتی بجای می ماند آن وقت ترتیب
بانک را بچینه

حاج امام جمعه - اول در فکر ملک
باید پیشیند منگشتی بجای می ماند آن وقت ترتیب
بانک را بچینه

حاج امام جمعه - اول در فکر ملک
باید پیشیند منگشتی بجای می ماند آن وقت ترتیب
بانک را بچینه

حاج امام جمعه - اول در فکر ملک
باید پیشیند منگشتی بجای می ماند آن وقت ترتیب
بانک را بچینه

حاج امام جمعه - اول در فکر ملک
باید پیشیند منگشتی بجای می ماند آن وقت ترتیب
بانک را بچینه

حاج امام جمعه - اول در فکر ملک
باید پیشیند منگشتی بجای می ماند آن وقت ترتیب
بانک را بچینه

حاج امام جمعه - اول در فکر ملک
باید پیشیند منگشتی بجای می ماند آن وقت ترتیب
بانک را بچینه

داود... جواب میبندد از دلنمایی دادن حفظ منکبت نمیشود من حالا میفرماید بدانم از آن روز که اختار شده است چه اقدامی کرده اند حالا هم اگر صبر کنیم خواهند گفت اقدامات مجدانه شده اینها بکار نخواهد خورد.

حسام الاسلام - من میگویم این فتون که در آنجا هست چرا جلو گیری نمیکند. **حاج اما جمعه** - این حرف را نزدیک سبب این است که اغلب فتون آنجا سنی است و رعیت هم آنطور که باید تمکین نمیکند از این طرف و زواره هم اهمل میکنند حال دول همچوار هم معلوم است اینهمه بلا بواسطه بکفر رعیت آمریکا نیست که گفته شود باعث اینکار هم مشار بوده اند.

وکیل التجار - وقتیکه دولت روس با زاین جنگ داشت امیرا طور شخصاً می آمد میانه عسکر وارد میشد که مها برای جنگ شده بودند آنها را ترقیب و تحریص میکرد اما زواره مارفتند در دو فرسخی و هر کس مرضی دارد باید برود آنها هم دسترس نمی نماند در اینوقت باید وزرا و سردارها و و کلا در یکجا جمع باشند و مشورت نمایند دیگر اینکه باین سردارها باید گفت که شما سالها از خاک این مملکت متمتع شده اید و از مال ملت و دولت خورده اید آیا در این موقع چه اقدام کرده اید از ما مورد شدن فرمان فرماورتن اوبتهائی چه حاصل باید از پشت سر بیاورد مدد و کمک رساند یا نه؟

آقای میرزا محمود خوش الساری - ما اگر از حالا تا ده ساعت دیگر در این خصوص گفتگو کنیم نمایند ندارد بجای آذربایجان. باید به بنیامین وزرا چه اقدامی کرده اند دوفتر وزیر اینجا حضور دارند. **وزیر علوم** - شاید نفرت وزیر مسئول دارند ولی معنی مسئولیت را نمیدانیم چیست این خبر از اومه درجهی روز قبل مذاکره شده و گفته شده بود باینکه پیش از این نمیشود تحمل کرد بالاخره گفتند که وزرا مسئول هستند باید اقدام نمایند بصواب دید همان وکلای آذربایجان قرار شد که فرمان فرما برود در آن اوقات و رفه اردبیل هم در پیش بود این اظهار هم از طرف و کلا شده وزرا هم بستند بدین حتی رای گرفته شد اکثریت آراء بر رفتن فرمانفرما شد و قبل از این که وزرا در اینخصوص فکری نمایند خود فرمانفرما اظهار داشت که هفتاد هزار تومان باید بدهند آنها از مالیات قبول نمیکرد باین شرایط و قیود در این بین از انجمن ملی تبریز تلگراف رسید که فرقه نفرما نباید بیاید و اگر بیاید او را راه ندهیم و چه در این هنگام هم وزرا معنی مسئولیت را فراموش کرده اند و هم و کلا و در این بین چند دفعه مذاکره خشکوفت آذربایجان شدند نفرت را بر سر آورده اند که صلاحیت دارند فرمانفرما علاوه الدوله سید اهر بیک از اینها را بنامی گرفته اند باز فرمانفرما را صلاح دانسته اند تا اینکه این خبر ساوجبلاغ رسید برئیس غفون آذربایجان گفته شد که افواج حاضر بشود گفتگو خبر داده اند حاضر نمیشود پول میخوانند تا اینکه این خبر ارومیه رسید همین طور که حاج امام جمعه گفتند اکثر آنها سنی هستند و خودشان مشغول نقل و حرکت میباشند در اینصورت چطور جلو گیری از دشمن نمیشوند دولت عثمانی تا حال چنین اقدامی نکرده بود که اینطور فتنه بر پا شود حال بجاه مشار ما را هم

اندازه سرک شده خوش هم اقدام کردی باید کاری کرد که دست از همه جا جلو گیری شود و از این طرف هم دولت سرا را دید تلگرافات بجای های لازم شده که بقانون بین الدول گفتگو شود و اقدامات داخلی نیز آنچه که فعلا لازم بود نمودند فرما نفرما که بحکومت و ریاست فتونی بایک نفر سردار و صوار از اینجا حرکت میکند جهان شاه خان از خسه واقواج قزوین و سایر جاهای دیگر هم مامور شدند که بروند امروز هم حکم شده که قوای محلی ارومیه هم جمع شوند و مشغول مدافعه باشند از فرجه داغ هم ایل چلیانلو میروند آنها هم که عسکر حاضر دارد از اینطرف هم که اقدامات سیاسی شده میشود حالا در عرض این اقدامات که و کلا باید بسا قوه بدهند اتصال تکلیف استغاف میکند و بیگانهان که امروزه وزارت یک آتش دهن سوزی است در این حالت انقلاب و هیجان منکبت که شبوروز آرام و فراد از ماملوب است چرا بقول هرام این آتش دهن سوزرا دوستی گرفته میخوریم بجهت این است که نکونند شما در زمان راحتی و نعمت وزارت میکردید و حال که زمان سختی و شدت است استغاف بدهید و انگیزی آخر مامور افراد این ملت هستیم تکلیف وطنی ما است که حاضر باشیم و اقدام کنیم و خدمت بوطن نماییم ما تا این مذاکرات را بنمائیم و با هم در مقام بحث و جدل بر آئیم کار از دست رفته و ما راه را از چاه نیز نمیدانیم فکر این را باید کرد که این سوارها و فتون که خالدر آنها جمع میشوند و کار عقب پیدا کرد پول لازم داد و فکر آنرا باید کرد سر کرده ما هر کدام عذر می آورند از مجلس هم که فریاد چنان استغاف چیزی شنیده نمیشود اگر استغاف ماملوب گوش میرزا موسی مملکت را اصلاح مینماید مامور حاضریم که استغاف بدهیم شاید در همین خیال هم باشیم در اینجا میگویند که چرا اقدام فوری نمیکند اقدام فوری اسباب لازم دارد کرده آهن ماسکو پول کوسا بر لوازمات تا اقدام فوری شود.

حسام الاسلام - اینها که شما گفتید مندرجات وزیر اعتبار غیر از وزیر کار است اما کار میخوانیم. **آقای سید محمد جعفر** - من امروز در حسب وظیفه و دین اسلامت خود باید جواب شما را بگویم مثلاً شجاع السلطنه چه حق دارد که بگردد و پنجاه هزار تومان سواجب بگیرد و هدیه بخین سایرین هر کدام آنچه میبرند میخورند پارک مسازنه میروند مجسه میفرزند اینها مال کس است و از کجا آمده ما میدانیم خانه خیلی آدم ذرنگ و با علم هستیم ولی باقه شما تمام این کارها را برای این نمیکند که مردم بتنگ بیایند و رضایضیافت بشوند میگویند پول نداریم شما پول نداشتید ما داریم خوب دولت را کی برده است مالیات را که زیاد تر کرده ارد گمرک را که افزوده نموده اید این ها کجا میروند و چه میشود کمتر میل بخرید خدا میداند که من خودم حاضرم با شما ما جهاد کنیم.

وزیر علوم - همه اینها صحیح است هیچکس حرفی ندارد و اول مصدق بنده هست ولی من میگویم این کارها پول لازم دارد شما میگویند پول را شما برده اید بیاید استنطاق کنید که پیش هر کس هست بیکر بپردازد امروزه که کسی از شما پول میخواهد ولی میگویند واقعا چنین نیست که ما پول کوتاهی داریم در اینصورت باین طریقه هستیم بلکه کار عمل دارد و این حال هم از سنین عهد بفرماید آنچه

وکیل التجار - در مسامحه همینقدر کافی است که در چنین روزی که نواب و معاون هر یک از وزارتخانهها باید در اینجا حاضر باشند و گفتگو نمایند شما از طرف وزارت داخله و وزارت جنگ و کالت می کنید.

آقای سید محمد جعفر - شما امروز با مردم صد اسلام رفتار نمائید شما هم از افراد ملت هستید باید خودتان حاضر شوید پول لازم است بدهید جهاد است بکنید از نشستن در پارک و کس را بخورد زادن کار درست نمیشود.

حاج سید نصر الله - در اینجا یک شترالی از وزیر مالیه دارم شنیده با این بی پولی که مبلغ سی و پنجاه هزار تومان مخارج قهوه خانه و نه خارا را اضافه کرده برات صادر کردند حواله داده اند بوزیر مالیه و دو دست هزار تومان هم برای مسافرت به پشت کوه اینها صحیح است.

وزیر مالیه - هنوز نداده اند ولی مذاکره نشده و از باب پشتکوه اطلاع ندارم. **وکیل الرعایا** - فرمایشات وزیر علوم تمام صحیح است ولی یک اشتباه شده و آن این است که فرقی است ما بین وزیر یک شش ماه است وزیر مسئول شده با وزیر یک ساله است خون ملت و ثروت این مملکت را خورده و برده باید اول آن شخص جلوی کوله بفتند و الا باید او را تنگ تنگ کرده عوض کوله جلوی دشمن انداخت.

آقای سید حسن قلی زاده - بین وزرا و ملت در سابق جد بین المشرقین بود آنچه بود تمام در یرده بود و ملت صد یک آنها را نمی دانستند ولی بعد از مشروطیت یک اندازه اصلاحی در کار شده و ملت بعضی چیزها را فهمیده اند حال بعضی از دولتبان هستند که مثل سابق میگویند ملت هیچ حقی ندارند و بعضی هم از ملت هست که میگویند دولت هیچ حقی ندارد این هر دو غلط و راجح سوابق ایام است و همین افراط و تفریط بود که باعث این خرابی ها شده و اینهم که هر چه بگویند و اعتذار بخواهند نمی توان گفت که وزرا بعضی خوب هستند که مجلس هم حق اعتراض آنها ندارد بلی در این خصوص اقدامات نمودند اما در سایر دول اینطور اتفاقات که روی می دهد فوراً خود وزیران مطلب را می آورند در مجلس اما اینجا باید از طرف مجلس اظهار شود و آنها بعد از یازده روز اقدامات شده صحیح است ما باید از سوء ظن خود بوزرا بکشم اما آنها هم اگر می خواهند که مردم حرفی نگویند باید کاری کنند که چشم را کور کنند تا نه بینند که زبان بگویند و الا از زبان بریدن کار درست نمیشود بلکه چشم آخرو خواهد دید و ما باید آن سوء ظن سابق را کنار گذاشته پشت از وزرا کار بخواهیم و آنها هم باید بما کار ارائه نمایند.

وزیر علوم - هنر ما منوط بکار خواستن مجلس است البته مجلس هر قدر بیشتر بخواهد ما هم بیشتر اقدام خواهیم کرد اما معلوم است پیشرفت هر اقدامی موقوف و منوط بجمعیت است آنکار است امروز هم همه می دانیم اسبابها نیست و بالعکس موانع هم از برای پیشرفت کار حاصل است البته در یک دوسال دیگر هر کس جای ما باشد یا شاید ما خودمان باشیم بیقین پیشرفت کار دور آبر خواهد بود حالا حیالته باید کاری کرد که موانع مرتفع شود آنوقت مامور ثابت می کنیم که یکدرجه بیشتر از قوه خودمان اقدام کرده ایم.

وکیل التجار - در مسامحه همینقدر کافی است که در چنین روزی که نواب و معاون هر یک از وزارتخانهها باید در اینجا حاضر باشند و گفتگو نمایند شما از طرف وزارت داخله و وزارت جنگ و کالت می کنید.

وزیر علوم - چه ضرر دارد؟ **احسن الدوله** - در این مدت یک دینار به سرباز و سوار آذربایجان نرسیده آیا بنیامین پولی حواله کرده اند و داده شده با آنکه حواله نکرده اند البته سرباز و سوار پول میخواهد پول باید بآنها داد و بهر کاره شکلی واداشت.

وزیر مالیه - در این موقع پول داده نشود درجه موفقی داده خواهد شد با وجود آنکه از باب حقوق در اینجا متصل مطالبه میکنند گفتیم این مخارج مقدم است و در اول لازم است اطلاع بدهند تا حواله بدهیم و حواله هم داده شد.

آقای سید حسین - قاضی فتاح با آن تصریحات که سابق داشت و اینجا حبس بود میگویند مرخص شده در روز پنجشنبه میروند و حال آنکه بواسطه شرایط در اینجا توقیف شده بود. **وزیر علوم** - اگر ما مصلحت بدانیم چه باید کرد اگر وزیر داخله اذن داده است وزیر مسئول است برود قول اوستماع است. **آقای سید حسین** - اقداماتی که از قوه فلانبر نی آید نمی خواهیم ولی همان استمداداتی که در مورد سالار الدوله میباید همان استمداد را در همین جامه میا کنند.

وزیر علوم - مسئله کرمانشاه و نزدیک بودن ایل کلهر و سایر ایلات غیر از مسئله ارومیه است و در اینجا دو نظرات یکدشمن داخلی است بانظرات دیگری که نمی شود گفت. **آقای سید حسین** - مذاکره شد که حسین قلیخان و داودخان هم بروند چطور شد آیا بآنها اطلاع دادند یا نه؟ **وزیر علوم** - اینهم امروز صلاح نیست.

آقای میرزا محمود - ما باید امروز کاری بکنیم که چهارده ارومیه بشود بعضی ازو کلا گله گذاری کردند بعضی اعتراضات از سوابق گفتند ببقیده بنده این فوج قزوین هم بدر نمی خورد. **مستشار الدوله** - فوج خوبی الساعه قرار شد برود سوار قرا باغ تا چند ساعت خواهند رفت سوار چلیانلو تا چهار روز می رسند اینها که جمع شدند دشمن باین قدر نمی تواند جسارت ورزد آقا خان هم در آنجا هست امروز خبر رسید خودش مشغول مدافعه است غرضی از هرایش بنده این بود که اگر معرکه خارجی هم در میان هست دست طمع بشوید.

وزیر علوم - در اینصورت لازم است بعضی غرض را اظهار نمایم سابق بر این هر وزیریکه روی کار می آمد چند روزی مشغول کار بوده بعد تا وقتی که موزول میشد باید مدافعه با اشخاصی که از پیش مصدر کار بودند و از برای او اسباب چینی میکردند بکنند اما حالا وزرا از دوطرف باید مشغول مدافعه باشند بیکجا مدافعه سابقه یک جا مدافعه از سوء ظنی که نسبت آنها هست در این شهر انجمنهای متعدد تشکیل داده شد هر یک بعنوانات مختلف در کار سیاسی مملکت دخالت میکنند ما مجبوریم که در هر انجمنی یک نفر دو نفر داشته باشیم که از میزان خیالات آنها مسبوق شویم میبرسم اجزاء انجمن چه حق دارند که در کار سیاسی دخالت کرده کافد بنویسند و فشار بیاورند نزدیک است مجلس شورای ملی در میان کم شود انجمن خیلی خوب است منکر حسن اوهام نیستیم و از لوازم مجلس است ولی انجمن باید وظیفه مخصوصی داشته باشد

ترویج صنایع نماید تاسیس مدارس و مکاتب کند نه اینکه در امورات سیاسی حکومت دخالت نماید غرض اعتراض نیست مقصود این است که باید این اختلاف را کنار گذاشت با هیئت وزرا با اتفاق مشغول اصلاح کار باشید آن هم هر روز یک متهاری و البته تا تمام امور مملکت اصلاح شود طول خواهد کشید چنانچه دولت زایون با آن جمعیت اسباب جهل سال طول کشید در اینجا هم سلسله طول خواهد کشید.

حسام الاسلام - مقصود من اینست که بکنم مذاکره است ملت بسا فشار میآورند ما هم بسا فشار میآوریم آن مدافعه اولی را بگویند تارفع کنیم. **وزیر علوم** - همه شما آن مدافعه را از همه بهتر میدانید.

حاج امام جمعه - گمان میکنم باید اغلب اوقات ما بدافعه بکنند هر وقت شاد در اینجا بنمایند هر مطلبی که اظهار میشود باید مدافعه کرد اصل مطلب هم از میان می رود اگر بگوئیم که خیلی خوب کار میکنید می بینیم هیچ کاری پیشرفت حاصل نمیکند در مسئله مغان فرما حق بجانب شماست که در آرزوی از طرف آذربایجان امتناع شد ولی انصاف میخواهیم در این مدت از برای حکومت آذربایجان فریاد فرما فرما کسی را معین کردند و آیا ممکن است بیش از این اقدام نمایند یا خیر اگر بگویند غیر هیچکس تصدیق نخواهد کرد در این مدت یازده روز اگر میخواهند میتوانند پنجاه هزار لشکر در آنجا حاضر نمایند من امروز خواهش کردم که هر وقت تشریف بیاورید بجلوس مباحثه فرمائید این مذاکرات فائده ندارد چرا میگذاریم شما استغاف بدهید از شما کار میخوانیم.

آقای سید محمد تقی - در طی کلمات خودتان از مجلس همراهی خواستید میبرسم کدام ارائه طریق را نموسید که ما همراهی نکردیم هر روز معاون شما اینجا حاضر باشد ارائه طریق نماید تا ما همراهی نماییم.

وکیل التجار - سه ماه است در خصوص رفع اغتشاش طالش نوشته شده سوار پولاد لبو فلادر آنها زد و خورد میکنند امروز یکی از معارم عبدالسلطنه میگفت که تلگرافی آمده بود که ما حاضر هستیم هر کس بر خلاف شاحرفی بزند او را بکشیم.

وزیر علوم - من از این مطلب اطلاعی ندارم و اینکه معاون وزارت داخله حاضر نشده بجهت ناخوش بودن او است و الا هر روز می آمد. **رئیس** - خلاصه این گفتگو این شد که آنچه اقدامات از طرف مجلس شده از طرف دولت هم بعمل آمده منتها یک روز عقب تر شد امروز برای نمائی وکلای آذربایجان این کار اتمام پذیرفت این مذاکرات هم برای تشویق وزراست.

وزیر علوم - بکس حرف دیگری نداریم امروز هر دقیقه گایین عمل بانک زودتر انجام داده شود لازم است چهار روز دیگر محتاج پول خواهیم شد. **حاجی سید محمد** - عرض است که از طرف شرکاء شرکت همومی رسیده است یکی از اسباب پیشرفت کار بانکی ختم عمل شرکت عمومی است آتش تاسکی ملک التجار در جلسات روس بماند مال

که دارد مال مردم را بدمد شما بچه اطمینان از مردم پول میخواهید. **آقای سید مهدی** - تمام گفتگوی ما این بود که چرا وزرا کار میکنند چرا کسی نیست که ببا بگوید شما چرا کار نمی کنید عمل بانک همینطور مانند نظام نامهها همینطور موقوف مانده است وکلای وطن پرست باید اقدام نمایند چند روزی بکس مجلس فوق العاده تشکیل شود و این کارها را اصلاح کند.

حاجی سید عبدالحسین شهبهالی - اهم تر از هر کاری بانک است و در لزوم آن هیچکس حرفی ندارد ولی انجام کار منوط بانفاق ملت است تا حال از خراسان حرفی نبود ولی حالا بواسطه تفاوت عمل که میخواهند بهزار عنوان از آنها بگیرند نزدیک است آشوب شود خصوصاً فوجان جواب بدهند به آنها و قدغن فرمائید که آنچه باید تفاوت بدهید چیست.

وزیر مالیه - در مجلس فرار شد که تفاوت عملی که پارسل داده اند اسامی هم بدهند تا میزنی صحیح بشود تفاوت عمل را ما تفاوت مالی می گوئیم یعنی که از مالیات تفاوت عمل گرفته می شود جریمه و سایر فروعات جزو تفاوت عمل نیست حال تحقیق شود هر چه پارسل داده اند اسامی هم بدهند امروز ما محتاج بیول هستیم میزنی تازه هم نمی توانیم بکنیم پس باید عجله بترتیب سابق رفتار کنیم و تفاوت چیزی است که بطور همراهی با مالیات گرفته میشود حال اگر باجوب و فلتک چیزی گرفته می شود ربطی تفاوت عمل ندارد.

آقای سید مهدی - من نتیجه می خواهم این وکلای که اطای مملکت هستند چند نفر از آنها در کمیسیونها حاضر می شوند و باقی از دو ساعت به غروب مانده می آیند باید همه از صبح بیایند که کار پیشرفت حاصل کند.

وزیر مالیه - اگر می خواهید عساکر پیش برود اولاً باید اتفاقات کلی و جزئی را مانع قرار نداد و اختلال حواس نشود ملل متدنه همین ترتیب کار را پیش بردند باید مسامحه یک وزیر با غیر از آترامانع پیشرفت کار قرار ندهند مجلس باید بدون مسامحه کار بکنند اوقات هر کاری معین باشد.

حاجی سید محمد - جواب در خصوص هزینه شرکای شرکت همومی چه شد؟ **آقای سید حسین** - جواب با وزارت امور خارجه است باید خواست حضوراً گفتگو کرد.

وزیر مالیه - الان کارها را معین میکنیم و ترتیب الا هم فالاهم امورات همه را جلو میاندازیم و دیگر مذاکره مطلب حلجده نمیشود. **رئیس** - این مذاکرات یک اندازه خارج از وظیفه مجلس است باید در کمیسیون مساله گفته بشود. **آقای شیخ حسین** - این آقایان آنچه پارسل گرفتند خرج پارک و غیره میگرداند آیا اصل کار

باید بدو در وطن خودمان برسد و باین بگیرند
آیا نباید بمنده ؟

مانا کرات روز شنبه سلخ جمادی الثانی دارالتواری ملی

تلاص مذاکرات روز پنجشنبه ۲۸ راقاسید
محمد تقی قزاقی کردند .

آقاسید محمد تقی - بر پروز بعد از قرائت
لایحه نوابان شاهزاده سلیمان میرزا و بعضی میرزا
عرض کردم که نظر بدرخواست خود آنها بایست
استطلاع شوند تا بقرول خود آنها (تاسیه روی شود
هر که در اوقش باشد) بنده از طرف خود حاضر
هستم و از شرف خود نمیگذرد .

آقاسید حسین - هیچ ملاحظه نباید کرد .
آقاسید محمد تقی - باید استطلاع شود که
اگر فی الواقع یک نفر از میان و کلا مرثی باشد
معتدل شود تا خارج گردد .

آقاسید زام محمود و خواستاری - اگر این
مطلب داخل در مجلس نشده بود ممکن بود مفرو
اقمایش شود ولی حالانچه شود مسکوت عنه گذارد .

آقاسید محمد تقی - خوبست از این مسئله
یک نتیجه گرفته شود حاضر شوید که امروز بر
خودمان واجب کنیم که نظمانه داخلی و امجری داریم
تنها نظم داخل مجلس را بر نیس و اگر نگران کلیر شرف
نی که زمین یکفر احت این تکلیف همه است .
احسن الدوله - این لایحه بهر بهر عبور
سلاخه ملی شده اگر فی الواقع چیزی هست باید
استطلاع شود .

آقاسید محمد تقی - فی الواقع باید ملت از
این نوابان متشکر باشند که اگر خیانتی در خیفه بود
اینها ظاهر ساخته اند بهر حال این مطلب را بایست عقب
کرد تا سلوم شود .

آقاسید حسین - امروز است در این خصوص
گفتگو میشود تا کون نتیجه گرفته نشده خوبست نتیجه
گرفته و مجلس معاکه را معلوم نماند .
پیشب خدمت رئیس بعد از ختم مجلس گفتگو
شد که در همین جا خدمت حاج اسلامیه معاکه شود یا
در عدلیه بالاخره قرار شد مجلس فوق العاده تشکیل
داده شود .

آقاسید حسین تقی زاهد - اول این اشخاص
در آن لایحه بر پشت نامه خودنا حاصل کردند و بعد
اظهار داشته اند مجلس معاکه تشکیل شود برای
اثبات این مطلب حالا اگر اثبات این نیست رامیتوانید
چه ضرر دارد معاکه بشود آنها باید در عدلیه باشد
و من صلاح نمیدانم وقت مجلس صرف این مطلب
جزئی شود .

آقاسید زام محمود خواستاری - بنده
عرض می نمایم که باید حق و زارتانها بخودشان واگذار
شود اینک کارهای آنها را هم از دست آنها گرفت
اینکار را باید بدلیه رجوع نمود .

بصر العلوم - اگر بدلیه رجوع شود نباید
تمام و کلا جعلیه بروند .

آقاسید زام محمود - حضور تمام و کلا در
عدلیه لازم نیست لایحه این شخص یکی در دفتر نسبت
خوبه داد آنوقت همان دوسه نفر بلوئی از و کلا
در آنجا حاضر شوند و معاکه شود .

وکیل المتجار - در لایحه کشود آنها بر پروز
نوشته بودند لایحه بنده جزالت هسته بنده بود و کلا

هم رسیده شد گفته مانشدیم فقط اسناد آنرا بر پروز نامه
دادند که در پروز نامه اینطور نوشته است مندرجات پروز نامه
هم در مذاکرات مجالس عمومی منسوب بشخص
مخصوصی نیست و سندیت ندارد در اینصورت به بنده
دست آویزی ندارد . بنابر آنوقت معاکه را تشکیل
بدهید وقتی هم که معاکه معین شده باید در عدلیه باشد .

آقاسید باقر - مجلس را مشغول نمیکند
همیشه در موافق لازم می آید و مجلس فوق -
العاده تشکیل میشود این مطلب هم لازم است .

آقاسید زام محمود - بوجوب لایحه که قرائت
شد بعضی از و کلا میگویند شایسته ایم و باید اثبات شود
آقاسید محمد جعفر - ساروز است این

مطلب در مجلس مطرح شده روز اول آقاسید محمد
تقی لایحه خواندند و اکثریت آراء بر این شد که
استطلاع شود در پروز بدلیه از طرف آن دو نفر شاهزاده
قزاقی شد اکثریت بر این شد که اینها بر ائت ذمه خود
را خواسته اند نباید دنبال شود امروز هم بلا مجلس در
این باب مذاکره میکند و وقت مجلس میگذرد و کار
های مهم موقوف میماند .

وکیل الرعایا - یکی از یولتیکها که مستبدین
بکار میبرند این است که وقت مجلس را هر روزی به
یکطوری براهمال میگذرانند و ما هیچ ملتفت نیستیم
چرا این قدر مجلس را باینطالب جزئی میگذرانند .
فرمانفرهاد اولا آمده ام از مجلس مرخصی گرفته

چهار روزی بروم (ممکنی و کلام عظام حفظ و حمایت و نصرت
ایشان را از خداوند تبارک و تعالی خواستگار شند) اقدامه نیکه
در این چند روزه کرده ام آقایان و کلا میدانند یک
عهده نشونی راهما کرده ام که بروند بسرحد خودمان
فوج خوی و سوار چلبانلو هم خواهند رفت امروز

تلگرافی کردم بهر شید الملک حاکم که باینجه که سردار
خان فوج بیکو را که خبی آدم جنگ دیده بزم
آزموده ایست و یا بعد سوار از خود حاضر کسره
اطلاع بدهد که بعض رسیدن تلگراف من مجلا
بروند سمت ارومی از مرافقه هم سه فوج حکم شبروند
بساو جیلان حاجی سعید الملک هم که در آنجا بود
خواستیم که برود او اظهار کراهت کرد و در ازا
خسوت از من دید خوشرف حرکت است و از من بیشتر
میروند و لورا میگویم سردار اردو نمایم در روز هم در
خاکیای های بونی بودم تلگراف شد فوج تروین و دهمسه
و سایر افواج و مقصود اینست که لائل ده هزار قشون
در آن دو سرحد حاضر باشد آنچه هم ششک و توپ و تفنگ
و غیره لازم بود صورت آنرا نوشته و بجه رسیده قرار
است پس از حرکت من عاجلا روانه نمایانند از
بابت اقدامات یولتیک هم امروز رفته بودم سفارت
خانها برسم خدا حافظی یاره سئوال و جوابها شد
که صلاح نیست گفته شود صورت تلگرافی هم رسیده
بود که خیلی موجب امیدواری گردید سفیر گیرا
هم ملاقات کردم خیلی مذاکرات بیان آمد و عاقبت
بعیت و دوستی از هم جدا شدیم و اکیداً قرار شد
تلگرافی با دولت متبوه خودمخابره نماید که بزودی
این مفاسد اصلاح شود .

احسن الدوله - در آن کمیسیون آن دهمه
قرار شده بود که شاهزاده فرمانفرما سالی هفتاد و
پنج هزار تومان داده شود ولی این دهمه آن مبلغ
را هم گذشت کردند که نمیخواهم تا بعد هر چه صلاح
داشتند عمل شود .

آقاسید نصر الله - پس از این تلگراف تکلیف
امروزه ما این است مادامیکه سایر دول پابیمان
گذرد و ما ندانیم شغل مذاکره ما بلیه هرجا عثمائی
تصدی کند عده ایستیم قرض از خواندن این تلگرافات
این است که از حال آنجا مسیوق نشوید و بدانند
صلحت آذربایجان در چه حال است که من میروم
انتظاره بفضل الله شمالی رفعمه این افتشاشات خواهد
شد و تا جان دارم کوشش خواهم کرد و بعد از نقل
خدا باید توجه مجلس مقبر من باشد .

(دو این موقع قزاقی شد که قزاقی معاکه و
استطلاع نوابان یعنی میرزا و سلیمان میرزا اخذ
رای شود)
آقا میرزا فضلعلی آقا - مسئله رای
معین شود میخواهم بدانم کمیصی هست یا نیست اگر
هست رای گرفته شود و الا فلا .
حاج سید نصر الله - گویا می خواهند یک
ماه اوقات مجلس را توضیح کنند به بنده اگر کاری
مهم تر از این دارد که وقت مجلس را صرف
آنها کنیم مطالب جزئی لایق تعاقب نیست چه
قدر بیجای اسلام تمام زدند آخر خدا و کلا ملت باید
ملاحظه داشته باشید مطالب را وقتی باید تعاقب
کرد که کسی لایحه بنویسد که فلان شخص فلان
کار را کرده آن وقت بایست تعاقب کرد نه هر
حرف واهی که زده شد وقت مجلس را محض آن
توضیح بکنند .
رئیس - با وجود این ترتیبات آیا به بنده
جایز است داخل عمارت بهارستان شوند و این
نظهارا بکنند با وجود اینکه کار را در این باب
منع شده .
حاج سید نصر الله - بلی شاهزاده در این
خصوص خطا کرده حالا گذشته ها گذشته است از
حالا قانونی معین کنید که هر کس در عمارت
بهارستان تعلق کرد ولو تعریف مجلس هم باشد
مجازات شود .
آقاسید مهدی - اینکه در تعاقب کردن
این مطلب رای ندانند ضرر ندارد و نباید بیش از
این وقت مجلس را ضایع کرد شما که در اینجاست باید
از برای شما مخاطراتی هست آن روز در خصوص
خالصه جات چه نسبت بو کلا داده اند و آنجا در یک
فرسنگی طهران همه قسم نسبت با میدهند و جاب
میکنند ابتدا ما بروی خود نمی آوریم این شخص
منکر مشروطیت و ضد مجلس است .
حاج سید نصر الله - عقیده بنده این است
نظمانه داخلی را مجری دارید همه این قته ها
اصلاح میشود جز مخصوص صورت اینگونه اشخاص

فرمانفرما - اگر خطی مهم وقت دیدند
البته ترتیبی خواهند داد اگر هم مهم بنده من
سایرین (تلگرافاتی که لیز او به رسیده بود
قرائت شد)

فرمانفرما - در این خصوص جواب گفته می
شود که سر باز میروند و این تلگراف هم که خوانده
میشود یک نکته ایست من تلگراف کرده ام که آنجا
را که عثمانی تصرف کرده کجا است و تا از روی و
سرحد چقدر مسافت است این جواب آمده است
میفرستم بوزارت خارجه تا سئوال و جواب شود
(تلگراف قرائت شد که چهار فرسخ است تا سرحد
و چهار فرسخ است تا از روی و اهلی آنجا هم
مسیحی هستند)

فرمانفرما - پس از این تلگراف تکلیف
امروزه ما این است مادامیکه سایر دول پابیمان
گذرد و ما ندانیم شغل مذاکره ما بلیه هرجا عثمائی
تصدی کند عده ایستیم قرض از خواندن این تلگرافات
این است که از حال آنجا مسیوق نشوید و بدانند
صلحت آذربایجان در چه حال است که من میروم
انتظاره بفضل الله شمالی رفعمه این افتشاشات خواهد
شد و تا جان دارم کوشش خواهم کرد و بعد از نقل
خدا باید توجه مجلس مقبر من باشد .

(دو این موقع قزاقی شد که قزاقی معاکه و
استطلاع نوابان یعنی میرزا و سلیمان میرزا اخذ
رای شود)

آقا میرزا فضلعلی آقا - مسئله رای
معین شود میخواهم بدانم کمیصی هست یا نیست اگر
هست رای گرفته شود و الا فلا .

حاج سید نصر الله - گویا می خواهند یک
ماه اوقات مجلس را توضیح کنند به بنده اگر کاری
مهم تر از این دارد که وقت مجلس را صرف
آنها کنیم مطالب جزئی لایق تعاقب نیست چه
قدر بیجای اسلام تمام زدند آخر خدا و کلا ملت باید
ملاحظه داشته باشید مطالب را وقتی باید تعاقب
کرد که کسی لایحه بنویسد که فلان شخص فلان
کار را کرده آن وقت بایست تعاقب کرد نه هر
حرف واهی که زده شد وقت مجلس را محض آن
توضیح بکنند .
رئیس - با وجود این ترتیبات آیا به بنده
جایز است داخل عمارت بهارستان شوند و این
نظهارا بکنند با وجود اینکه کار را در این باب
منع شده .
حاج سید نصر الله - بلی شاهزاده در این
خصوص خطا کرده حالا گذشته ها گذشته است از
حالا قانونی معین کنید که هر کس در عمارت
بهارستان تعلق کرد ولو تعریف مجلس هم باشد
مجازات شود .
آقاسید مهدی - اینکه در تعاقب کردن
این مطلب رای ندانند ضرر ندارد و نباید بیش از
این وقت مجلس را ضایع کرد شما که در اینجاست باید
از برای شما مخاطراتی هست آن روز در خصوص
خالصه جات چه نسبت بو کلا داده اند و آنجا در یک
فرسنگی طهران همه قسم نسبت با میدهند و جاب
میکنند ابتدا ما بروی خود نمی آوریم این شخص
منکر مشروطیت و ضد مجلس است .
حاج سید نصر الله - عقیده بنده این است
نظمانه داخلی را مجری دارید همه این قته ها
اصلاح میشود جز مخصوص صورت اینگونه اشخاص